

یاران روحانی

الله ابھی، اعیاد مبارکہ صیام و نوروز بر شما عزیزان جان مبارک باد.

در این ایام دلنشین و لحظات روحانی با قلبی مملو از عشق به معبود، آستان الہی را شاکریم کہ با تکیہ بر تأییدات لانہایہ اش میتوانیم پرتوان تر از قبل، رھرو سبیل خدمت بہ امر محبوبش گردیم و امید داریم در این سال فرخندہ، اوقات حیات خویش را بیش از پیش در مسیر اھداف متعالی نقشہ الہی صرف نمائیم. و آرزو مینمائیم سال جدید مملو از صلح و دوستی برای عالمیان و شور و نشور روحانی برای آدمیان باشد.

جانتان خوش باد

حضرت بهاء الله میفرماید:
يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ إِفْرَحْ بِسُرُورِ قَلْبِكَ لِتَكُونَ قَابِلًا لِلْقَائِي وَ مَرآةً لجمالِي

کلمات مکنونه عربی

عنوان: سرور و شادی

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- لوح مبارک حضرت بهاء الله

۳- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۴- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵- سرور دائمی

۶- قسمتی از پیام نوروز ۱۳۹۴ خطاب به احبای ایران

۷- مسرت چیست؟

۸- شور و مشورت

۹- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۰- انس و الفت

۱۱- ذکر دسته جمعی (یا الله المستغاث)

۱- مناجات شروع

هو الله

رَبِّ يَسِّرْ الْأُمُورَ وَ اشرحِ الصُّدُورَ وَ اسمحِ بِالْفَضْلِ الْمَوْفُورِ. وَ ادخُلْنَا فِي جَنَّةِ السُّرُورِ وَ الْحُبُورِ. بِرَحْمَتِكَ يَا عَزِيزُ وَ يَا غَفُورِ.
ع ع

مجموع مناجات های حضرت عبدالبهاء شماره ۲۶۴ ص ۲۹۴

مضمون: ای پروردگار من، کارها را آسان کن و سینه ها را گشاده نما و به فضل فراوانت ببخشای و به رحمت خودت ما را در بهشت سرور و شادمانی داخل فرما، ای عزیز و ای بخشاینده

بنام آفتاب معانی

ای دوستان الهی، به ذکرش مشغول و به یادش مسرور باشید، چه که بهجت و سرور در حقیقت اولیّه از برای احبّای حقّ خلق شده و دون ایشان در حُزن بوده و خواهند بود، اگر چه به تمام نعمتهای ارض مُتنعم باشند، و فقیرند اگر چه مالک کُنوز گردند. عند الله غنی آن است که لَوْلُو حُبّ الهی در خزانه قلبش مکنون شود و مسرور آن است که به یادش از جمیع عالمیان منقطع گردد. و فی الحقیقه احزان دوستان را نَفَسِ رحمن خود تحمّل نموده، چنانچه در این سِجَن بعید مسجون و در دست اعداء مبتلاست. شما به کمال فرح و اطمینان از کوثر سُبْحان بنوشید و به وصفش واصف گردید.

پیام آسمانی ج ۲ ص ۱۸۲

۳- بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

به یادش حُرم باش و به ذکرش مسرور. قسم به جمال قَدَم که اگر ناس در جمیع سموات و ارض سیر نمایند و تفحص کنند، ابداً فرح و سرور نخواهند یافت الا در حُبّش. پس جهد نما که به اکلیل حُبّش مابین اماءالله مزین گردی. و الرّوح علیک.

مجموعه آثار قلم اعلی شماره ۳۸ صفحه ۸۱

ذکر اول آنکه باید در جمیع احوال با فرح و نشاط و انبساط باشی و ظهور این مقام محال بوده و هست مگر به ذیل توکل کامل توکل نمائی، این است شفای امم و فی الحقیقه دریاق اعظم است از برای انواع و اقسام هُموم و عُموم و کُدورات و توکل حاصل نشود مگر به ایقان، مقام ایقان را اثرهاست و ثمرها

پیام آسمانی ج ۱ ص ۹۶

حقّ منیع شاهد و گواه است اگر فی الجملة تفکّر در عنایات الهیه نمایند، هرگز محزون نشوند و خود را مهوم نمایند.

پیام آسمانی ج ۱ ص ۹۶

"هر وقت ظلمت احزان هجوم نماید، ذکر جمال قدم کن تا روشنایی، کاشانه قلب را احاطه کند. پژمردگی و افسردگی زائل گردد و لطافت و طراوت بی منتها حاصل شود و در ظل عنایت اسم اعظم مسرور و مُستبشر باش و پر روح و ریحان گرد."

مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۷ صفحه ۱۲۳

و در بیانی دیگر میفرمایند:

"چون انسان سرورش به فیوضات الهیه باشد، در هیچ حالی محزون و مغموم نشود ولو حوادث دنیا، بر وفق مُراد او نباشد و گردش روزگار، ترویج آمال و افکار او ننماید..."

نمی از یم، ص ۵

۵- سرور دائمی

چون جمعی از احباب به شرف لقا مشرف گشتند، نطق و بیانی از سرور الهی و مسرت روحانی فرمودند که: ... توکل و اعتماد به اراده و مشیت الهی انسان را به جایی رساند که با وجود سعی و اهتمام در امور، آرزویی جز آنچه واقع میشود ندارد و خواهشی غیر از آنچه پیش میآید، ننماید. در آن حالت جمیع امور را موافق میل و اراده خود ببند و مروج عزت و آسایش خویش شمرد؛ جز اطمینان، اضطرابی نیابد و غیر از صلح و صفا، جنگ و جفایی نجوید. چنین سروری دائمی است و چنین مقامی، سبب حیات ابدی. من از برای شما این مقام را میخواهم. به این مقام نجاج و فلاح حاصل شود نه سروری که قابل تغییر و تبدیل باشد. سروری که از امور جسمانی است لابد او را انقلاب اخذ نماید؛ چه که انسان روزی سالم است روز دیگر مریض؛ وقتی غنی است و وقت دیگر محتاج؛ زمانی در راحت است و زمان دیگر مبتلای زحمت؛ همیشه فکرش مشوّش است و هر آنی روحش به عذابی معذب؛ ولكن چون قلبش متوجه به ملکوت الله باشد و سرورش به فیوضات افق اعلی از هر حزنی آزاد شود؛ دل به جهان الهی بندد؛ غمخوار عالم انسانی گردد

۶- قسمتی از پیام نوروز ۱۳۹۴ خطاب به احبای ایران

الحمد لله شما از موهبت شادی و مسرت حقیقی برخوردارید، کیفیت روحانی که از آن کسانی است که علی‌رغم شرایط مادی و اجتماعی، برای تقرب به درگاه حضرت احدیت و درک و ترویج کلام الهی می‌کوشند، به فکر بهبود رفاه همگانند، با از خودگذشتگی در راه ترویج عدل و انصاف گام برمی‌دارند و هیچ مانعی، حتی ظلم و ستم و اسارت و زندان هم آنان را از این نشاط معنوی محروم نمی‌سازد. این شادی و این مسرت حقیقی است که قلوب را اهتزاز بخشد، روح را به پرواز آرد، بر قوای انسان بیفزاید، نیروی افکار و ادراکات را تقویت کند، امید آفریند و شعله اشتیاق را برای اقدامات هدفمند در مسیر بهبود رفاه عمومی، فروزان نماید. این چنین است که در نزد اهل بهاء از مقبولترین اعمال، القای سرور در قلوب دیگران است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند "تا توانید قلوب انسانی را فرح و شادمانی بخشید و از برای جمیع بشر کامرانی طلبید."

۷- مسرت چیست؟

دو ساعت به بر آمدن آفتاب مانده بود که یکی از دو تن از بهائیان که شب را در بیت گذرانده بودند، مرا بیدار کرد. حضرت عبدالبهاء برخاسته بودند؛ سماور می‌جوشید و چای برای بهره بردن ما آماده بود. تشنه "چای روحانی" بودم که مرا بیدار ساخت و شتابان جامه به بر کرده در میان تاریکی بامدادی به بیت دیگر رهسپار شدم. در اطاق مبارک را گشودم و سرزده وارد شدم. حضرت عبدالبهاء در جای همیشگی خود روی نیمکتی در گوشه اطاق کنار پنجره نشسته بودند. شمعی تنها روی میز روبرو که پوشیده از کتاب بود روشنی می‌بخشید. سکوت و آرامشی برقرار بود و نور ملایم بر اسرارآمیزی اطاق و سحرآمیزی آن لحظات می‌افزود.

دیدگان حضرت عبدالبهاء بسته و محاسن مبارک نورانی بود؛ آرامش ژرفنای وجودشان بر سیمای ایشان پرتو افکنده، مولوی سفید مبارک که هیچ لگه‌ای بر آن دیده نمی‌شد بر رأس حضرتشان قرار گرفته و شَعرات مبارک نقره‌گون ایشان، موقعی که نیک نگریستم، دیدم که به نحوی بس زیبا بر شانه‌های پهن آن حضرت مَواج بود. از میان آن سکوت و آرامش وصف ناکردنی، صدای محبوب قلوب شنیده شد که فرمودند:

"مسرت، طعام ربّانی روح انسانی و شهد بهشتی ارواح بشری است که موهبت فناپذیری و مرحمت بصیرت روحانی به انسان می‌بخشد. سرور، ستاره صبح است که گمراهان را به ملجأ و ملاذ جاودانی مبارکی رساند. سرور و حُبور، رود زلالی است که از کوهستان آسمانی به بهشت افکار و اذهان روان است و سبب شود در ساحلش نوایای عالیّه باقیّه عالم انسانی به حیّز عمل در آید. مسرت، ملائکه حیّ قدیر است که نوع بشر را الهام می‌بخشد که معجزه ایثار را تحقق بخشد و نوع دوستی عاری از هر تعصّبی را جامه واقعیّت درپوشد. مسرت عندلیبی مُترنّم به نغمه زیبایی است که دنیای تیره و تاریک و اندوه را به عالم درخشان مسرت اُخروی ربّانی تبدیل نماید. مسرت، بحر مَواجی است که سَبّاح در اعماق آن دُرّاری تسلیم و رضا و مرجان‌های وارستگی و انقطاع را یابد. مسرت، سرای بهشتی است که در آن سوسن حُسن نیت و گل‌های عفو و بخشش می‌روید. مسرت، آسمانی سبحانی است که وسعت آبی آن مُزین به سیّارات درخشان رضایت و ستارگان نورانی قناعت است. مسرت، تاج مُتلاًّلاً و درخشان عالم انسانی است که گوهرهای شاهوارش، تعالیم انبیای گذشته و اصول امر مبارک حضرت بهاءالله است. مسرت انسان، منوط به امور ظاهره از قبیل ثروت و تجملات و البسه فاخر نیست. بلکه مشروط به احساسات قلبی و توجّهات ذهنی است."

(ترجمه - از خاطرات یکی از زائرین مندرج در نجم باختر، سال ۱۳، شماره ۶، اوّل سپتامبر ۱۹۲۲، ص ۱۵۲)